من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم...من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان- به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست.
صحیفه نور، ج۲۱ ،ص۱۰۸

با پرسش و پاسخ در محضر رهبر معظم انقلاب

اعجاب نهفته در پیروزی انقلاب اسلامی بر رژیمی که سال‌ها از حامیان قدرتمند بین‌المللی برخوردار بود برای جوانانی که در آن زمان حضور نداشتند سوالات بسیاری ایجاد کرده است. پاسخ صحیح و روشن به چنین سوالاتی از سوی کسانی که آن زمان را با تمام جزئیات درک کرده‌اند، گنج گرانبهایی است که باید هوشمندانه از آن مراقبت کرد. این گنج ارزشمند در زمره محکم‌ترین رشته پیوند و ارتباط جوانان با انقلاب است که باید قدر آن دانسته شود. در متن زیر مقام معظم رهبری طی سخنانی در دهه فجر سال گذشته به دو سوال در این باره پاسخ دادند.

***چه ویژگیها و چه خصوصیاتی در خود حضرت امام و نهضت و قیامشان بود که این‌طور باعث شد استقبال پُرشور مردم را برانگیزد و در واقع تحت لوای رهبری ایشان به صحنه بیایند و چرا جریانات دیگر از طرف مردم پذیرفته نشدند؟**

مبارزات با رژیم پهلوی، از دیرباز شروع شده بود؛ یعنی از دوره رضاخان و از سال۱۳۱۴ . البته قبلاً مرحوم مدرس مبارزاتش را شروع کرده بود، اما ایشان را به شهادت رساندند. در سال۱۳۱۴ ، نهضت بزرگ علما از مشهد شروع شد و مرحوم آیت‌الله قمی و عده‌ای از علما که با ایشان همراه بودند، مبارزه خود را شروع کردند. در اواخر دوره رضاخان، گروههای غیر اسلامی تجمعهایی داشتند و مبارزاتی را شروع کردند. بعد در دهه بیست، باز مبارزات حزبی و گروهی از یک طرف و نهضت علمایی و مردمی از طرف دیگر آغاز گردید. در سالهای بعد هم همین‌طور بود و مبارزات زیادی شروع شد. البته همه این مبارزات هم تأثیراتی داشت؛ اما همان‌طور که می‌گویید، هیچکدام از اینها قدرت بسیج توده‌ها را نداشت و نتوانست مبارزه را از جمعهای کوچک و خواص، به جمع عظیم مردم بکشاند. راز پیروزی امام هم این بود که توانست این هنر بزرگ و این معجزه بزرگ را انجام دهد و مبارزه را به سطح مردم بکشاند. اما علتش چه بود؟ البته برخی از این علل، به خصوصیات شخص امام بزرگوارمان برمی‌گردد که آنها را هم عرض خواهم کرد؛ لیکن عمده علت، عبارت بود از این‌که امام در موضع یک روحانی والا مقام و مورد اعتماد، از اسلام حرف می‌زدند. اسلام، باور عمومی مردم بود و همین‌گونه بود. بنابراین، عمده، مسئله اسلام بود؛ یعنی امام به اسلام تکیه داشتند. البته خصوصیات دیگری هم بود. امام طبیعتاً یک شخص مردمی بودند و به مردم اتکا داشتند. من فراموش نمی‌کنم که در سال چهل و یک – که هنوز امام بزرگوار ما این‌قدر هم معروفیت و شهرت نداشتند – در یکی از سخنرانیهایی که آن سال در قم و در همان محل درس انجام می‌دادند، خطاب به دولت آن زمان گفتند که اگر مثلاً به این رفتارتان ادامه دهید، من این صحرای بی‌پایان قم را از مردم پُر می‌کنم !همه تعجب می‌کردند که امام چطور از گوشه مسجدی در قم، این‌طور به مردم متکی و معتقد و خاطر جمع از مردمند. چند ماه بیشتر نگذشت؛ در سال چهل‌ودو که امام آن سخنرانی را در مدرسه فیضیه کردند، دو روز بعدش در تهران حادثه پانزده خرداد اتفاق افتاد و با آن وضع خونین، مردم در مقابل تانکها و مسلسلها و تفنگها ایستادند.

البته عرض کردم که خصوصیات شخص امام خیلی دخیل بود. امام به معنای حقیقی کلمه، مردی با اراده و عزم پولادین بودند؛ شخصی بودند صددرصد مومن به راه خود؛ همان‌طور که در قرآن نسبت به پیامبر آمده که «امن الرسول بما انزل الیه من ربه». ایشان به راه خود ایمان کامل داشتند؛ مردی بودند صادق و صریح؛ اهل سیاست بازی و سیاست کاری نبودند؛ مردی بودند بسیار هوشمند و آینده‌نگر. هوشمندی امام، آینده‌نگری امام و قدرت تشخیص قدمهای بعدی، در امام بسیار بالا بود. ایشان پیگیر و خستگی‌ناپذیر بودند. بد نیست به یاد بیاورید که امام این مبارزات را در سن شصت و سه سالگی شروع کردند. یادم هست که در همان سال چهل و یک ایشان در سخنرانی خود گفتند که من امسال شصت و سه سال دارم، که اگر مرا بکشند، تازه در سنی از دنیا رفته‌ام که پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) در این سن از دنیا رفتند. مرد شصت و سه ساله، جوانان را گرم می‌کرد و به آنان نیرو و نشاط می‌داد. ایشان وقتی که وارد تهران شدند و وقایع روزهای دوازده بهمن به بعد و حادثه پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، مردی نزدیک هشتاد ساله بودند. ببینید پیرمردی در این سن – که وقت بازنشستگی و خستگی و بیکارگی است – این‌گونه با نشاط جوانان وارد میدان می‌شوند. بنابراین، خصوصیات شخصی امام بسیار موثر بود؛ مسئله تکیه به اسلام و دین و ایمان و باور مردم هم که وجود داشت.

***همان‌طور که حضرت امام در دوازده بهمن پنجاه و هفت فرمودند، از ابتدا نظرشان بعد از براندازی حکومت شاهنشاهی، تشکیل یک حکومت اسلامی، طبیعتاً کار ساده‌ای نیست؛ نیاز به نیروهای قوی انسانی دارد تا با تکیه به همین افراد، بشود گفت که حکومت اسلامی را برپا کنیم، آیا در ابتدا این افراد در نظر حضرت امام بودند و حضرت امام افرادی را در نظر داشتند؟ یاران اصلیشان در آن زمان چه کسانی بودند؟**

در هنگامی که امام مبارزه را شروع کردند، من نمی‌توانم بگویم که مثلاً در سالهای چهل و یک و چهل و دو ایشان کادرهای لازم را داشتند؛ لیکن امام کادرسازی می‌کردند.

***کادرسازیهای امام هم، غیر از کادرسازیهای حزبی بود. احزاب می‌نشینند اشخاصی را به‌طور خاص تربیت می‌کنند، برای این‌که مثلاً فلان شغل و فلان‌کار را به اینها بدهند؛ اما امام جوانان را تربیت می‌کردند و به آنها روحیه خودباوری می‌دادند**

شما توجه دارید که امام یک فرد جا افتاده علمی در حوزه علمیه قم بودند و اطراف ایشان را جمعی از جوانان لایق و مومن احاطه کرده بودند. با قشرهای دیگر هم ایشان ارتباط داشتند. امام با پیامهای خود، با بیانهای خود، به معنای حقیقی کلمه، انسانها را تربیت و تصحیح می‌کردند؛ هم تربیت فکری، هم تربیت روحی و اخلاقی. یک کادر برجسته و لایق، کسانی نیستند که لزوماً درس مدیریت یا دوره علوم سیاسی را گذرانده باشند؛ کسانی هستند که هدفها را خوب بفهمند، راهها را خوب تشخیص دهند، بتوانند خوب تصمیم بگیرند و خوب اقدام کنند. این با تربیتهای مداوم انجام می‌گیرد. این کاری بود که به طور طبیعی در مجموعه امام و به‌وسیله آن بزرگوار انجام می‌شد؛ نه در کلاس درس بخصوصی، بلکه با برخوردها، با رفتارها، با پیامها و با اصلاحها. ولی از این مهمتر، امام یک کادرسازی در سطح ملت کردند. کادرسازیهای امام هم، غیر از کادرسازیهای حزبی بود. احزاب می‌نشینند اشخاصی را به‌طور خاص تربیت می‌کنند، برای این‌که مثلاً فلان شغل و فلان‌کار را به اینها بدهند؛ اما امام جوانان را تربیت می‌کردند و به آنها روحیه خودباوری می‌دادند. از اول هم امام روی جوانان تکیه بخصوصی داشتند و همین هم شد.

البته بعد از آن‌که انقلاب پیروز شد، هم کسانی که در مجموعه امام بودند و هم کسانی که خارج از مجموعه امام بودند، آمدند و کارها را قبضه کردند و مشغول تصدی کارها شدند – با تغییرات و اصلاحاتی که به مرور انجام گرفت – لیکن این را توجه داشته باشید که امام راهشان روشن بود، شیوه‌شان معلوم بود و می‌دانستند که چه می‌خواهند. شیوه امام عبارت بود از شیوه‌ای که پیامبران آن را می‌پیمودند؛ یعنی تزریق ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود. چنین روشی به‌طور طبیعی استعدادها را شکوفا می‌کند و کادرها را پرورش می‌دهد. لازم نبود از ده سال قبل بردارند فهرستی تهیه کنند که فلان کس را برای فلان کار می‌خواهیم؛ اما به‌طور طبیعی فهرستهایی طولانی به‌وجود می‌آمد.

می‌دانید که «شورای انقلاب»، قبل از انقلاب در ایران تشکیل شد و عده‌ای را به‌عنوان اعضای «شورای انقلاب» معین کردند؛ محتاج هیچ‌کس هم نشدند و مشکلی هم پیدا نکردند البته این عده آن زمان ناشناخته بودند؛ حتی خودشان هم از عضویتشان خبر نداشتند. بنده خودم یکی از اعضای «شورای انقلاب» بودم، اما نمی‌دانستم که عضو این شورا هستم. مرا برای عضویت در این شورا معین کردند و بعدها به من خبر دادند؛ من هم از مشهد به تهران آمدم و مشغول کار شدم. بنابراین، امام می‌شناختند و می‌دانستند. البته با نزدیکان صمیمی خودشان هم که در تهران با اینها ارتباط داشتند، برای گزینش افراد مشورت می‌کردند؛ راه هم که راه روشنی بود.

***راز پیروزی امام هم این بود که توانست این هنر بزرگ و این معجزه بزرگ را انجام دهد و مبارزه را به سطح مردم بکشاند**

آینده انقلاب اسلامی

احمد امامی

در حالیکه جهان در کشمکش منازعات ناشی از ساختار دوقطبی و رقابت مناقشه آمیز دو بلوک بسر می برد و کشورهای جهان مقهور قدرت های بزرگ بوده و تلاش می کردند در یکی از دو اردگاه قدرت جهانی پهلو بگیرند، پدیده انقلاب اسلامی ایران ظهور کرد و با ارائه گفتمانی جدید و مدلی نو از حکومت، ورق جدیدی به تاریخ ایران و جهان بزند و از این منظر، نقطه عطف و سرآغازی بر روند تاریخ تحولات معاصر ایران و جهان گردد.

انقلاب اسلامی که با اصول و آرمانهایی چون »حاکمیت اسلام و پایبندی به اسلام و احکام مترقی آن، باز گرداندن عزت اسلامی به مسلمانان، دفاع از محرومان و مستضعفان و نفی هر گونه ظلم و ستم بر بشریت، عدالت خواهی و نفی فقر و فساد و تبعیض، تشکیل حکومت و نظام سیاسی مبتنی بر آموزه های دینی و انقلابی و برقراری عدالت اجتماعی،« و عزم و مشارکت ملی ایرانیان برای تحقق آن تجلی یافت، در ابعاد داخلی ، منطقه ای و جهانی دستاوردهای ارزشمندی را به بشریت عرضه کرد.

۱- نفی استبداد و حاکم کردن رژیم سیاسی مبتنی بر »مردم سالاری دینی« برای پیاده سازی احکام مترقی اسلام و برقراری عدالت اجتماعی و تحقق دولت اسلامی، نزدیک ترین تاثیر، ارمغان و هدف در عرصه داخلی بود.

۲- خودباوری و استقلال، ایجاد وحدت ملی و انسجام اسلامی و همچنین فراهم کردن آزادی، حقوق شهروندی و . . .

۳- به رغم مواجهه با اقدامات و تلاشهای خباثت آمیز غرب و دشمنان انقلاب، روند رشد شتابزا و تعالی و پیشرفتهای علمی و فنی را با سرعت و کیفیت طی نمود و اکنون در دانش هسته ای و بومی سازی چرخه کامل سوخت در باشگاه هسته ای جهان جای گرفته است، در تکنولوژی و نانو تکنولوژی و سلولهای بنیادین در ردیف قدرتهای مطرح جهانی تعریف می شود، گامهای اولیه و مستحکم را برای حضور در فضا با پرتاب ماهواره های ملی برداشت، و پیشرفتهایی که هر کدام باعث افزایش امید و احساس غرور، افتخار و عزت مندی برای هر ایرانی و همه مسلمانان و مستضعفین و وفاداران به انقلاب اسلامی در دنیا می شود.

انقلاب اسلامی در عرصه منطقه ای و بین المللی نیز دستاوردهای بزرگی داشت.

۱- با نفی سلطه بیگانه و طرد وابستگی، به عنوان یک قدرت مستقل و تاثیر گذار در مناسبات منطقه ای و جهانی ظاهر شد. کافی است به این نکته با کمی تامل نگاه کنیم که دو ابرقدرت شرق و غرب و سایر قدرتهای ریز و درشت جهان در دهه اول در مقابل انقلاب و نظام صف آرایی کردند، جنگ ۸ ساله را با حمایت آشکار و پنهان تحمیل نمودند، فتنه های تجزیه طلبانه و اقدامات براندازانه را تست کردند، در دهه دوم و سوم انواع تحریم های را در دستور کار خود قرار دادند، تهدیدات سیاسی، اقتصادی و امنیتی را تشدید کردند، فتنه های جدید و جنگ نرم را به کارنامه عملیاتی خود اضافه کردند، اما همچنان ملت انقلابی ایران را محکم و استوار و قدرتمند تر از همیشه می بینند.

برنارد کوشنر وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه با CNN نیز بگونه ای دیگر لب به اعتراف گشوده، می گوید : «گمان می‌کنم ایران کشوری بزرگ با تاریخی بزرگ است. اگر امروز بخواهیم از افغانستان سخن بگوییم، باید با ایران صحبت کنیم. اگر می‌خواهیم از خاورمیانه، عراق و سوریه سخن به میان آوریم، باید با ایران صحبت کنیم. پس واقعگرا باشیم و با این اشخاص صحبت کنیم.»

۲- یکی از دستاوردهای دیگر انقلاب اسلامی، شکستن افسانه ابهت غرب و به چالش کشیدن نسخه های عقیم ایدئولوژیهای حاکم بود که از سوی ابرقدرتها بر دنیا تحمیل شده بود. اوج این چالش مربوط به نسخه لیبرال دمکراسی امریکایی است که به عنوان «نسخه نهایی رژیمهای بشری و پایان تاریخ» به دولتها و ملتهای جهان معرفی شده بود. با انقلاب اسلامی دنیا به مدلی دست یافت که خلاء معنویت گرایی را پر کرده، بر نهلیسم مدرن خط بطلان کشیده وآرمانهای الهی و ارزشهای واقعی والای بشری و عدالت را گفتمان مسلط می داند.

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، در توصیف این تاثیر انقلاب می گوید: «انقلاب اسلامی ایران، استثنایی بود. فداکاری و شهامت شما نیز عجیب بود. شما به ما درس خوبی دادید؛ شهادت طلبی، شجاعت و . . . تلقی خودتان را از اسلام به کشورهای منطقه صادر کردید.»

روژه گارودی، متفکر بزرگ فرانسوی نیز می گوید: »انقلاب اسلامی ایران، الگوی جدیدی از تکامل انسان و اجتماع را ارائه داده است، که این الگو، با میراث روحی ملت‌ها توافق دارد و همین، دلیل دشمنی غرب با اوست.»

با نگاهی به جایگاه و نقش انقلاب و جمهوری اسلامی در تحولات سه دهه اخیر ایران، منطقه خاورمیانه و جهان، هم ظرفیت، سطح و عمق قدرت و نفوذ انقلاب و جمهوری اسلامی را می توان درک کرد و هم به چیستی و چرایی دشمنی و اقدامات خباثت آمیز غرب و دشمنان انقلاب می توان پی برد.

آینده انقلاب

انقلاب اسلامی به جهت آرمانها، ارزشها، دستاوردها و کارکردهایش در عرصه ملی و فراملی همواره با موجی از آسیبها و تهدیدات روبرو خواهد بود.

*عدم توانایی انقلاب و نظام برآمده از آن به شعارها و کم رنگ شدن آرمانها و اهداف انقلاب در جهت گیریها و کارکردهای نظام،

*رخنه جریانهای التقاطی و انحرافی و رویکردهای اشرافی گری و سکولاریستی در بدنه نظام و جریان اصیل انقلاب

*دوری مردم از اصول و اهداف انقلاب، رواج اباحه گری، بی اعتقادی و بی اعتمادی و نوعی بی حسی اجتماعی

* **اختلاف و تفرق در میان مردم و مسولین.**

برخی از مخاطرات و آسیبهایی است که انقلاب در هر دوره ای با آن روبرو خواهد بود.

شاید با قدرت یابی انقلاب و جمهوری اسلامی و رنگ باختن بسیاری از تهدیدات خارجی، و درک این واقعیت که پدیده انقلاب یک قدرت نرم بوده است و راه مقابله با آن نیز از جنس نرم است، راهبردهایی چون فتنه بزرگ ۸۸ تنها و مهمترین گزینه پیش روی نظام سلطه و ایادی آن در مواجهه با انقلاب، نظام و ملت ایران است. در این راهبرد تلاش می کنند آرمانها و مقوم های انقلاب و نظام را از طریق القاء تردید و یاس، شکاف در صفوف مردم و مسئولین، اختلاف بین خواص و نخبگان، تشکیک در سلامت نظام و کارکردهای آن، با بهره گیری گسترده و متنوع از رسانه ها، مخدوش نمایند. مقوم هایی چون:

۱- آرمانها، ارزشها و آموزه های دینی و انقلابی
۲- میثاق ملی و قانون اساسی و اصول مترقی آن
۳- وحدت ملی و انسجام اسلامی
۴- گفتمان عدالت محوری
۵- مقبولیت و مشروعیت انقلاب و نظام

ترسیم و تصویری از آینده انقلاب از دو منظر می تواند مورد توجه قرار گیرد؛

۱- حفظ و بقاء انقلاب و آرمانهای آن

شرط لازم برای استمرار انقلاب و پاسداشت آرمانها و تحقق آنها، عبور با سلامت و مقتدرانه از همه آسیبها، تهدیدات و فتنه‌هایی است که ممکن است حرکت انقلاب را کند کرده و یا به شکست بکشانند. از آنجا که علل مبقیه انقلاب را باید در علل موجده آن جستجو کرد، شاید بهترین راهبرد را در بیانات معمار بزرگ انقلاب حضرت امام(ره) می توان یافت که فرمودند: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است ؛ و رمزپیروزی را ملت می داند و نسلهای آینده در تاریخ

خواهند خواند که دو رکن اصلی آن : انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی ؛ و اجتماع ملت درسراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.»

۲- پیاده سازی گامهای بعدی در فرایند تکاملی.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی را در ۵مرحله تقسیم بندی نمود: ۱ – پیروزی انقلاب اسلامی۲ –تحقق نظام اسلامی۳ – تشکیل دولت اسلامی۴ – شکل گیری کشور اسلامی ۵– ساختن دنیای اسلامی. معظم له با اشاره به آرمانها، اهداف و دستاوردهای انقلاب می فرمایند: «ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. . . این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. . . . بعد از آن‌که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.»

پیاده سازی گامهای فرایند تکاملی انقلاب، وجود الزاماتی را می طلبد، ازجمله:

* وجود مهندسی و نقشه راه است که از یک سو مبتنی بر تمامی آرمانها، اهداف و شعارهای انقلاب و دستاوردهای آن باشد و از سوی دیگر مقتضیات و شرایط تحولی، اولویتها و نیازهای دگرگون شونده در این نقشه و طراحی مد نظر باشد.

* وجود رهبری هوشمند، که گذشته را خوب بشناسد، افت و خیزها و فراز و فرودها را بداند و عبرتها و درسهای گذشته را مد نظر قرار دهد، آینده و مقتضیات و شرایط آن را نیز خوب ببیند، انقلاب و نظام را راهبری و مدیریت نماید

* ایستادگی و استقامت ملتی که همواره برخوردار از معرفت دینی و بصیرت انقلابی، حتی در فضای غبار آلود بتواند بر مدار شاخص ها و معیار ها حرکت کرده و هوشمندانه در کنار رهبری، تحقق گامهای بعدی را رقم بزند.

با نگاهی به وضعیت وشرایط کنونی کشور و روند تحولات بطور قطع می توان گفت که این الزامات مهیا است. اگر چه در امتحان ۸۸، بسیاری از خواص لغزیدند، برخی مردود شدند و برخی سقوط کردند، اما در کنار خواصی که رسالت را خوب فهمیدند، این ملت بزرگ و هوشیار بود که راه درست را خوب تشخیص دادند و یکپارچه در کنار ولی و رهبر فرزانه خود در مقابل فتنه بزرگ و پاسداری از آرمان ها و دستاوردهای انقلاب ایستاد. بی تردید این فتنه را باید فرصتی برای انقلاب و نظام دانست که می تواند خود را از هر گونه آلودگی به رویکردهای اشرافی گری، سکولاریستی، اباحه گری، نفاق آمیز و انحرافی و عناصر حامل آنها برهاند و برای تحقق »دولت اسلامی« و گام های پس از آن با صلابت و سلامت اقدام کند.